

مطالعه ساختاری بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

با تأکید بر تقابل های دوگانه

فاطمه شکردست^۱ و محمدعلی حسینی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۱

چکیده:

بی‌شک بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی انعکاس منظومه فکری بزرگ‌ترین انقلاب قرن بوده و تحلیل و تبیین آن نیازمند رویکردهای گوناگونی است. استفاده از ایده‌های زبان‌شناسی ساختارگرا، به‌ویژه تقابل‌های دوگانه به منظور تحلیل ساختار شکل‌گیری معنا می‌تواند یکی از این رویکردها باشد؛ از جمله برجسته‌ترین این نظریه‌ها، نظریه ساختارگرایی است که در پی پیدایش دانش زبان‌شناسی نوین پدید آمد و به علوم دیگر به ویژه علوم اجتماعی راه یافت. در ساختارگرایی اصول ژرف ساختار تقابل‌های دوگانه بسیار حائز اهمیت است. کشف تقابل‌های دوگانه یک متن، یکی از خوانش‌ها و استراتژی‌های عمومی تفسیر متن و یکی از اصلی‌ترین روش‌های راه‌یابی به متن و معناست که با هدف تحلیل و تبیین عوامل ساختاری موثر بر گفتمان صورت می‌پذیرد زیرا واحدهای متن بر مبنای روابط متقابلی که با یکدیگر دارند، هویت می‌یابند. از این منظر، باید بن‌مایه‌های معنایی متن را در تقابل با یکدیگر تعیین کرد تا ایده‌های کلی که موجب تولید معنا در متن شده‌اند، مشخص شوند. بنابراین بررسی تقابل‌های دوگانه صرفاً یک رویکرد ادبی نیست بلکه می‌کوشد تا در تفسیر و تبیین مفاهیم خوانندگان متن را یاری دهد. در فرایند خوانش و تحلیل متن تقابل‌های دوگانه اساسی استخراج و در یک چارچوب گنجانده شده و معنای متن از طریق چنین نظام ساختاری کشف و رمزگشایی می‌شود. هدف از این پژوهش تبیین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از منظر تقابل‌های دوگانه با روش توصیفی-تحلیلی و تطبیقی است. در مقدمه به خاستگاه و سیر تطور این نظریه پرداخته شده سپس با استخراج و تحلیل این تقابل‌های معنایی در بیانیه گام دوم تلاش شده، منطق حاکم بر بیانیه کشف و تفسیری متفاوت از گفتمان حاکم بر بیانیه ارایه شود؛ که در نتیجه علاوه بر دست یافتن به معنای برخی مفاهیم به واسطه قطب مقابلشان، با استخراج شبکه هم طراز مثبت و منفی زنجیره‌های معنایی و ساختار حاکم بر آن در بیانیه تحلیل شده است.

واژگان اصلی: بیانیه گام دوم، زبان‌شناسی، ساختارگرایی، تقابل دوگانه

مقدمه

هدف اصلی دولت‌های استکباری در نیم قرن اخیر علاوه بر جهانی‌سازی و به تعبیر بهتر غربی-سازی جهان، حاکمیت لیبرال دموکراسی و لوازم فرهنگی آن و در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بیانیه‌ای صادر کردند که به «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» موسوم شد این بیانیه به مهم‌ترین مباحث و موضوعات معتنا به انقلاب اسلامی و تعیین اهداف پیش روی انقلاب پرداخته‌اند که مورد توجه تحلیل‌گران داخلی و خارجی قرار گرفته‌است. از مفاد این بیانیه می‌توان به سرفصل‌های زیر اشاره کرد: سرگذشت چهل ساله انقلاب اسلامی، تفاوت چالش‌های دیروز و امروز انقلاب با مستکبران، ظرفیت‌های مهم کشور برای گام دوم انقلاب، توصیه‌هایی برای ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (از جمله پرداختن به علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی‌خواهی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی) (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

می‌توان گفت بیانیه گام دوم دکترین و مانیفست انقلاب اسلامی است که در نگاهی کلان‌مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین حوادث و رخداد‌های پیش از انقلاب و بعد از آن و راه‌کارهای پیش رو در مسیر پیشرفت همه‌جانبه در آن مدون است. مفاد این بیانیه تشکیل دهنده یک نظام فکری است که تبیین آن نگاهی منظومه‌ای و چندساحتی می‌طلبد و بر پژوهشگران و نخبگان است که از منظر علوم و نظریه‌های مختلف گفتمان حاکم بر بیانیه را تشریح، ابعاد و لایه‌های مترتب بر آن را فرادست آورند.

این مقاله برآن است تا متن بیانیه گام دوم را از منظر زبان‌شناسی بررسی و تحلیل کند. زبان‌شناسی یکی از آن‌هاست که به منظور رهیافت به تفسیرهای پیچیده زبان و اندیشه مورد توجه اندیشمندان و پژوهشگران بوده و می‌تواند ما را در تحلیل متونی که دارای ساختار منظم و ایجاز و فشردگی است یاری دهد.

هر چند مطالعات تخصصی درباره زبان به چند قرن پیش از میلاد بازمی‌گردد اما زبان‌شناسی به مفهوم جدید آن، علمی نسبتاً نوپا بوده که قدمتی تقریباً یک‌صد ساله دارد و در این مدت نظریه پردازان فراوانی چون فردینان دوسوسور، نوام چامسکی، ویلیام جونز، مایکل هالییدی ... و ده‌ها زبان‌شناس دیگر به گسترش زبان‌شناسی و کارکرد این نظریه پرداخته و نظریه‌ها و مکاتب متعدد و مختلفی را به وجود آورده‌اند. زبان‌شناسی با ورود به سایر علوم اجتماعی و انسانی، پایه‌ریز علوم

بینارشته‌ای و کاربردی متعدد نیز بوده است. برای مثال زبان‌شناسی همچون شاخه‌ای از جامعه‌شناسی آن دسته از کنش‌های اجتماعی را بررسی می‌کند که بنیاد آن‌ها بر انتقال معنی با زبان استوار است. از این رو، قصد تحلیل‌گر نقش‌گرا از بررسی عناصر دستوری، نقشی و معنایی، بیشتر توضیح «نقش معنایی» آن‌هاست و صورت‌های زبانی و ساخت آن‌ها را نیز به‌منظور توضیح نقش معنایی بررسی می‌کند (فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۴۷).

به عبارتی می‌توان گفت زبان‌شناسی معاصر، حوزه‌های مطالعاتی گسترده‌ای را شامل می‌شود و نظریه‌ها و زیرمجموعه‌های فراوانی دارد که توجه دانش‌پژوهان و دانشمندان گوناگون با ذائقه‌های علمی متنوع را به خود جلب نموده‌است.

با این توضیحات می‌توان پذیرفت یکی از منظرهایی که می‌تواند ما را در تبیین و تحلیل بیانیه گام دوم انقلاب یاری دهد نگاه زبان‌شناسانه است. زبان مهم‌ترین ابزار انتقال معنا و بخشی از نظام اجتماعی است که پرداختن به آن می‌تواند ما را در پرداختن به انواع متون یاری دهد تحلیل مکالمه، تحلیل گفتمان، نظریه انتقادی، مطالعات فرهنگی، بلاغت، نقد فیلم، روزنامه‌نگاری همگی از زبان‌شناسی به عنوان یک ابزار کارآمد مدد می‌گیرند.

زبان‌شناسی نیز مانده دیگر ساحت‌های کلان علمی، دربرگیرنده نظریه‌ها و اصلاحات و رهیافت‌های گوناگونی است. از جمله برجسته‌ترین این نظریه‌ها، نظریه ساختارگرایی است که در پی پیدایش دانش زبان‌شناسی نوین پدید آمد و به علوم دیگر (ادبیات، روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم سیاسی و...) راه یافت.

ضرورت تبیین متن از منظرهای گوناگون این پژوهش را بر آن داشت متن بیانیه گام دوم را براساس این نظریات زبان‌شناسی (ساختارگرایی) مورد مطالعه و تحلیل قرار دهد. و از میان اصطلاحات و رهیافت‌های مختلف ساختارشناسی نیز، «تقابل معنایی» که یکی از مؤلفه‌های اساسی در تفسیر متون در دوره معاصر است را برگزید تا این بیانیه (به مثابه متن) از منظر ساختارگرایی با تکیه بر تقابل معنایی مورد تحلیل واقع شود.

در جستجوی پیشینه این پژوهش، مقالاتی در موضوع ساختارگرایی و تقابل‌های دوگانه یافت شد که مصادیقی غیر از بیانیه از جمله قرآن کریم و متون ادبی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌بودند مانند: تقابل‌های معنایی «حق» در قرآن براساس معناشناسی ساختارگرا از علی فتحی و دیگران در مجله پژوهش‌های زبانشناختی قرآن؛ هنر‌سازها در آیات تربیتی قرآن کریم (با تأکید بر نظریه

تقابل‌های دوگانه) از سید شمس‌الدین هاشمی مقدم و محسن ذوالفقاری در فصلنامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی؛ بازکاوی مفهوم واژه‌های «عُسر» و «یُسْر» در قرآن با رویکرد منطق «تقابل» دوگانه از مهین حاجی زاده و رعنا فرهادی در مجله مشکوه؛ ساختار شکل‌گیری معنا در سوره کافرون به‌مثابه اثری ادبی از دیدگاه نظریه ساختارگرایی از صادق خورشیا و دیگران در مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی؛ تقابل دوگانه و کارکرد آنها در متن با تأکید بر تقابل نور و ظلمت در آثار فارسی شیخ اشراق از مریم رامین‌نیا در مجله پژوهش زبان و ادب فارسی؛ نقدی ساختارگرایانه بر تقابل‌های معنایی رمان گلاب خانم اثر قاسمعلی فراست از پوران علیپور در نشریه ادبیات پایداری و نمونه‌های دیگری از این دست.

از دیگر سو تحلیل و بازخوانی‌های متعدد از بیانیه گام دوم انقلاب در قالب مقاله و کتاب و سخنرانی و ... انجام گرفته اما از تلفیق این دو یعنی تحلیل بیانیه از منظر تقابل‌های دوگانه پژوهش و یا تحلیلی یافت نشد.

روش پژوهشی در این مقاله توصیفی-تطبیقی-تحلیلی است در بخش توصیفی به نظریه ساختارگرایی و تقابل‌های دوگانه با رویکرد کاربردی توجه می‌شود و سپس روش تقابل دوگانه بر بیانیه انطباق داده‌شده و تقابل‌ها بررسی و تحلیل می‌شود. بررسی تقابل‌های دوگانه صرفاً یک رویکرد ادبی نیست بلکه می‌کوشد تا در تفسیر و تبیین مفاهیم، خوانندگان متن را یاری دهد و برای استناد تقابل‌ها قسمتی از متن بیانیه مرتبط با موضوع به صورت پاورقی درج شده است و به منظور انسجام این ارجاع، از هر نوع توضیحی دیگری در پاورقی خودداری شده است.

زبان‌شناسی و ساختارگرایی

هلیدی، زبان را به‌ویژه بر پایه نقش‌های اجتماعی آن مدنظر قرار می‌دهد. به باور او صورت یا ساخت زبان از راه کاربردهای نقشی آن برای هدف‌های اجتماعی گوناگون شکل گرفته است؛ بنابراین زبان ابزاری است برای انتقال معنی و برقراری ارتباط میان افراد یک جامعه. در نتیجه، زبان نهادی اجتماعی و بخشی از نظام اجتماعی است (فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۴۷).

درواقع، بنیاد نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی بر اساس «بررسی زبان در کاربرد» استوار شده که طبق این دیدگاه هر نوع گزینش زبانی در صورتی نقش‌مند و معنادار است که در یک بافت، موقعیت اجتماعی یا در دل یک فرهنگ به کار رفته باشد (عماش، ۱۴۳۲: ۷ به نقل از راستگو، کبرا و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۱۱).

به باور چامسکی، زبان نه وسیله‌ای برای ارتباط، بلکه ابزاری برای تفکر و آیین ذهن آدمی و در نتیجه دریچه‌ای برای دست‌یابی به جنبه‌هایی از ویژگی‌های ذاتی ذهن آدمی است. پس زبان‌شناسی، مطالعه علمی زبان برای فهم ویژگی‌های ذهن انسان است (مهاجر و دیگران، ۱۳۷۶: ۶۸).

ساختارگرایی به‌عنوان نظریه‌ای نوین در مطالعات انسانی، میانه سده بیستم میلادی در فرانسه شکوفا شد (احمدی، ۱۳۸۱: ۱۴). این نظریه که پدیده‌های انسانی را در قالب نظام‌های متشکل از مجموعه روابط میان اجزاء بررسی می‌کند، در آرای فردینان دوسوسور (۱۸۵۷-۱۹۱۳ م.)، بنیان‌گذار زبان‌شناسی ساختاری، ریشه دارد. او زبان را نظامی انتزاعی می‌دانست که از مجموعه روابط میان عناصر زبانی ساخته شده‌است و کنش‌های زبانی را گفتارهایی می‌دانست که مطابق با قواعد حاکم بر نظام زبان تولید می‌شوند. بر اساس این تمایز، دوسوسور وظیفه زبان‌شناس را گذر از بررسی گفتارها به سوی کشف قواعد حاکم بر نظام زبان می‌دانست (دوسوسور، ۱۳۹۲). بعد از وی، پژوهشگران در دیگر حوزه‌های علوم انسانی مباحث ساختارگرایی و ... را پی‌گرفتند. در رأس این پژوهشگران، کلود لوی استروس، مردم‌شناس فرانسوی در دهه ۱۹۵۰ میلادی، اصطلاح «ساختار» را متناظر با اصطلاح «نظام» در تفکر دوسوسور پیشنهاد و این روش مطالعه را با اصطلاح «ساختارگرایی» معرفی کرد (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۱۸۷).

گرچه رویکرد زبان‌شناختی به مطالعه ادبیات پیش از آن در دهه ۱۹۲۰ میلادی در روسیه با نظریه فرمالیسم و در دهه ۱۹۳۰ در چک با مکتب زبان‌شناسی پراگ دنبال شده بود، اما رویکرد ساختارگرا در مطالعه ادبیات به‌معنای دقیق خود در دهه ۱۹۶۰ در فرانسه به اوج رسید؛ آن هم با پژوهش‌های زبان‌شناسان و منتقدان ادبی همچون رولان بارت، کلود برمون، ژرار ژنت و تزوتان تودوروف (موران، ۱۳۸۹: ۲۱۷). ساختارگرایان از پژوهش‌های فرمالیسم روسی و مکتب پراگ، به‌ویژه از آرای رومن یاکوبسن، بسیار بهره بردند، اما چارچوب نظری خود را اساساً بر مبنای زبان‌شناسی ساختاری دوسوسور بنا کردند (برسلر، ۱۳۸۹: ۱۳۱).

همچنان‌که در زبان‌شناسی ساختاری، عناصر سازنده یک گفتار در ارتباط با یکدیگر کارکرد می‌یابند، در این سطح از تحلیل نیز اثر ادبی به مثابه نظامی در نظر گرفته می‌شود که عناصر آن در ارتباط با یکدیگر امکان تعریف می‌یابند (کالر، ۱۳۸۸: ۱۴۱). بنابراین، تحلیل‌گر ساختارگرا در این نوع مطالعه می‌کوشد عناصر یک اثر ادبی را تعیین کند و آنگاه نشان دهد که این عناصر بر اساس چه الگوهایی با هم ترکیب شده‌اند تا این اثر خاص شکل بگیرد (خورشا و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۱۶).

در نگاه ساختارگرا، متن ادبی به مثابه گفتاری است که بر مبنای قواعد و الگوهای نظام ادبیات تولید شده است. بنابراین، هر اثر ادبی متشکل از نظامی جزئی است که مطابق با نظامی کلی شکل گرفته است. رولان بارت می‌نویسد: «اثر ادبی تصویری از ساختار را به نقد ساختارگرا ارائه می‌کند که منطقی کاملاً همانند با ساخت زبان دارد» (هارلند، ۱۳۸۶: ۲۷۳). به همین دلیل، ساختارگرایی در مواجهه با متن ادبی، توجه خود را معطوف به واحدهای سازنده متن و مناسبات میان آن‌ها می‌کند و نشان می‌دهد چگونه مجموعه‌ای از روابط میان واحدهای متن، شکل‌گیری معنا در متن را امکان‌پذیر ساخته‌اند. کشف ساختار متن، اولاً به کشف واحدهای سازنده آن و ثانیاً به کشف روابط میان این واحدها در نظامی منسجم منوط است (خورشا، ۱۳۹۵: ۱۱۷).

با وجود تفاوت دیدگاه پساساخت‌گرایان (امثال باختین) و ساختارگرایان در برخورد با متن ادبی شاید بتوان یک وجه مشترک میان آن‌ها جستجو کرد و آن ایده نظام است. اعتقاد به نظام در ساختارگرایی، مبین این نکته است که در متن، کلیه عناصر رابطه تقابل دارند و بنابراین از هر نمونه معناداری می‌شود آن‌ها را استنباط کرد (اسکولز، ۱۳۸۳: ۲۸).

اولین اصل ساختارگرایی لویی استروس این است که در پس روابط عینی باید ساختارهای زیرین و ناخودآگاه را جست‌وجو کرد. ساختارهایی که تنها در شکل‌گیری استقرایی الگوهای انتزاعی قابل کشف هستند (پیازه، ۱۳۸۴: ۱۳۰).

تقابل معنایی

در مکتب ساخت‌گرایی، سه نظریه یا نگرش اصلی برای دست‌یابی به معنای دقیق واژه‌ها و مفاهیم یک زبان مطرح شده‌اند؛ نظریه حوزه واژگانی، تحلیل مؤلفه‌ای و تحلیل رابطه‌ای. تقابل معنایی در ذیل تحلیل رابطه‌ای قرار می‌گیرد. تحلیل رابطه‌ای روابط مفهومی را بررسی می‌کند. عمده‌ترین روابط مفهومی عبارت‌اند از شمول معنایی، هم‌معنایی، تقابل معنایی، جزء‌واژگی (گیررتس، ۱۳۹۳: ۱۸۵-۱۹۷).

در ساختارگرایی چند اصلاح بسیار کاربرد دارد یکی از آنها منطق دوگانه (binary logic) یا تقابل‌های دوگانه (binary opposition) است. تقابل دوگانه اساسی‌ترین مفهوم در ساختارگرایی است زیرا اساساً تفکر انسانی بر این بنیاد است: بد/خوب، زشت/زیبا، و... و در طبیعت هم چنین است شب/روز، سیاه/سفید... (شمیسا: ۱۳۸۳: ۲۱۴)

در ساختارگرایی اصول ژرف ساختار تقابل‌های دوگانه بسیار حائز اهمیت است (سلدن، ۱۳۷۵: ۱۴) و نخستین بار نیکلای ترویتسکوی واج‌شناس (۱۸۹۰-۱۹۳۸) از این اصطلاح استفاده کرد.

کشف تقابل‌های دوگانه در یک متن، یکی از خوانش‌ها و استراتژی‌های عمومی تفسیر متن و یکی از اصلی‌ترین روش‌های راه‌یابی به متن و معناست که با هدف تحلیل و تبیین عوامل ساختاری موثر بر گفتمان صورت می‌پذیرد.

فرایندهای حاکم بر تفکر انسان، محصولی از جامعه هستند و کنش‌های مردم را تبیین و تعیین می‌کنند. در این چشم‌انداز کشمکش تقابل‌ها از شرایط متفاوت اجتماعی تأثیر می‌پذیرد و ممکن است در هر بافت و گفتمانی، بر اساس نحوه کشمکش تقابل‌ها، تفسیر متفاوتی از عملکرد تقابل‌ها به دست آید (rubie & rosame, 1996: 1270 به نقل از رامین نیا، ۱۳۹۳: ۱۰۰).

برای کشف واحدهای سازنده متن از ایده تقابل‌های دوگانه استفاده می‌شود؛ زیرا واحدهای متن بر مبنای روابط متقابلی که با یکدیگر دارند، هویت می‌یابند. از این منظر، باید بن‌مایه‌های معنایی در متن را در تقابل با یکدیگر تعیین کرد تا ایده‌های کلی که موجب تولید معنا در متن شده‌اند، مشخص شوند. ایده تقابل‌های دوگانه نشان می‌دهد نظام دلالتی متن بر ساخته مجموعه‌ای از روابط متقابل میان ایده‌های متن است که به هر یک در تقابل با دیگری ارزش می‌دهند (بارت، ۱۳۷۰: ۳؛ سلدن، ۱۳۷۵: ۹۶ و شمیسا، ۱۳۸۳) در واقع، عناصر زبانی متن واحدهایی هستند که برای انتقال ایده‌های معنایی متقابل انتخاب شده‌اند و در نتیجه، تقابل موجود میان ایده‌ها در تقابل میان عناصر زبانی متن نمود می‌یابد.

تقابل معنایی، یکی از انواع روابط مفهومی در سطح واژه است که با استفاده از آن و سایر روابط مفهومی، میدان معنایی واژگان به دست می‌آید. شناخت مقابل‌های هر واژه در روشن شدن معنای دقیق آن بسیار مؤثر است. کشف میدان معنایی براساس تقابل، یکی از روش‌های پذیرفته شده و کاربردی معناشناسی است. به تعبیر ایزوتسو، حوزه معناشناختی، زمانی به وجود می‌آید که دو مفهوم کلیدی، کاملاً در مقابل یکدیگر قرار گیرند. شناخت مقابل‌های هر واژه در روشن شدن معنای آن مؤثر است؛ زیرا مفاهیم متضاد، هر کدام با واژگان دیگر ترادف دارند و نظام واژگانی می‌سازند (ایزوتسو، ۱۳۹۳، ۲۹۸).

به عقیده جاناتان کالر، در متن‌هایی با ساختارهای از پیش تعیین شده تقابل‌ها و تضادهای معینی وجود دارد، آن‌چنان که دیگر تقابل‌ها و تضادها را نیز دربرمی‌گیرد و براین اساس بر تولید موضوعات مهم و معنادار کل متن توانا هستند، در فرایند خوانش برای خواننده بسیار معمول است که به واژه‌های متقابل بیندیشد تقابل‌های دوگانه اساسی را در نظر بگیرد و تبیین کند و آن‌ها را در

یک چهارچوب بگنجانند و معنای متن را که از طریق چنین نظام ساختاری ارائه شده است کشف و رمز گشایی کند (رامین نیا، ۱۳۹۳: ۹).

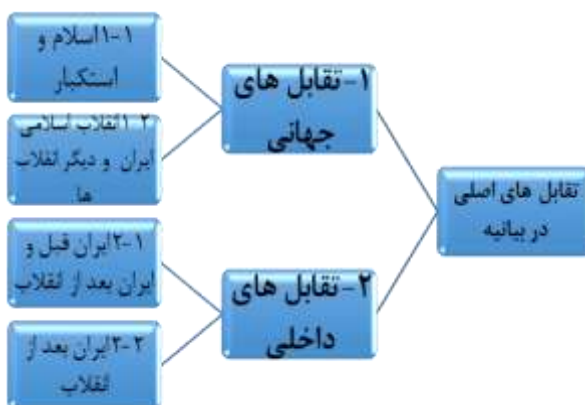
مطالعاتی که بر روی متن قرآن کریم انجام گرفته نیز گویای این است که خداوند برای تبیین بسیاری از مفاهیم دینی، از تقابل دوگانه بهره جسته و از این طریق، ضمن ملموس ساختن این مفاهیم، درک و پذیرش آن‌ها را برای مخاطب آسان‌تر نموده است (حاجی زاده، ۱۳۹۸: ۹۶).

تقابل معنایی، یکی از روابط مفهومی در معنی‌شناسی زبانی است. اصطلاح تقابل معنایی به هنگام بحث درباره مفاهیم متقابل یا در اصطلاح سستی، معنای متضاد واژه‌ها به کار می‌رود. در معنی‌شناسی عمدتاً از اصطلاح تقابل به جای تضاد استفاده می‌شود؛ زیرا تضاد صرفاً گونه‌ای از تقابل است (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۱۷) و تضاد میان دو امر وجودی واقع می‌شود که بین آنها نهایت بعد باشد (فتحی، ۱۳۹۸: ۱۵۳ به نقل از حلی، ۱۳۷۱: ۳۲). به عبارت دیگر، هیچ‌گونه وجه اشتراکی با هم ندارند؛ از این رو، تضاد یکی از انواع تقابل به شمار می‌آید و مساوی با آن نیست.

هر کدام از نظریه‌های ساخت‌گرایی، پساساخت‌گرایی، شالوده‌شکنی، منطقی مکالمه، چند آوایی و ... خوانش متفاوتی از تقابل‌ها در متن ارائه می‌دهد که شناخت سازوکار تقابل‌ها و نحوه خوانش آن‌ها در تحلیل متون ادبی و استنباط روابط روستاختی و ژرف ساختی تقابل‌ها ضروری می‌نماید (رامین نیا، ۱۳۹۳: ۱۰).

رابطه تقابل و انواع آن بر حسب نگرش معناشناسان، با اصطلاحات و دسته‌بندی‌های مختلفی معرفی شده است. با بررسی تقابل معنایی واژه‌ها در کنار دیگر روابط مفهومی، می‌توان به حوزه معنایی آنها دست یافت. روابط مفهومی از طریق‌های متفاوت به دست می‌آیند. یکی از آنها تحلیل مؤلفه‌ای است. تحلیل مؤلفه‌ای نقش مؤثری در تعیین روابط مفهومی از جمله تقابل معنایی میان واحدهای زبانی دارد؛ بنابراین، می‌توان برای بررسی تقابل معنایی از مؤلفه‌های معنایی بهره گرفت. مؤلفه معنایی و رابطه همنشینی و جانشینی، در شناسایی روابط مفهومی واژه‌ها از جمله تقابل معنایی بسیار تأثیرگذارند.

بحث مطالعه ساختاری بیانیه گام دوم با نظر بر تقابل‌های دوگانه و تحلیل آنها نیازمند استخراج ساختارهای کلان و جزئی تقابل‌هاست. توضیح آن که تقابل‌های کلی قابل تقسیم به تقابل‌های جزئی‌تر و آن تقابل‌های جزئی نیز در ژرف‌ساخت خود می‌توانند حامل تقابل‌های نهانی‌تری باشند ساختار کلان بیانیه را از جهت تقابل‌های کلی و جزئی می‌توان در نمودار زیر تقسیم‌بندی کرد:



۱-تقابل‌ها در حوزه جهانی

۱-۱ اسلام/ استکبار

در بیانیه گام دوم، «ساختار کلان» تقابل‌های موجود در جهان به صراحت تقابل دوگانه «اسلام و استکبار» ذکر شده است^۱. درست است که این تقابل در تقابل‌های جهانی رتبه‌بندی شده ولی این تقابل را می‌توان به همه بیانیه نیز سری داد. به نوعی جهان‌بینی اسلامی در همه شئون تقابل بین حق و باطل و از مصادیق اصلی حق و باطل اسلام و استکبار است.

ساختار کلان تقابل‌ها (ساختار



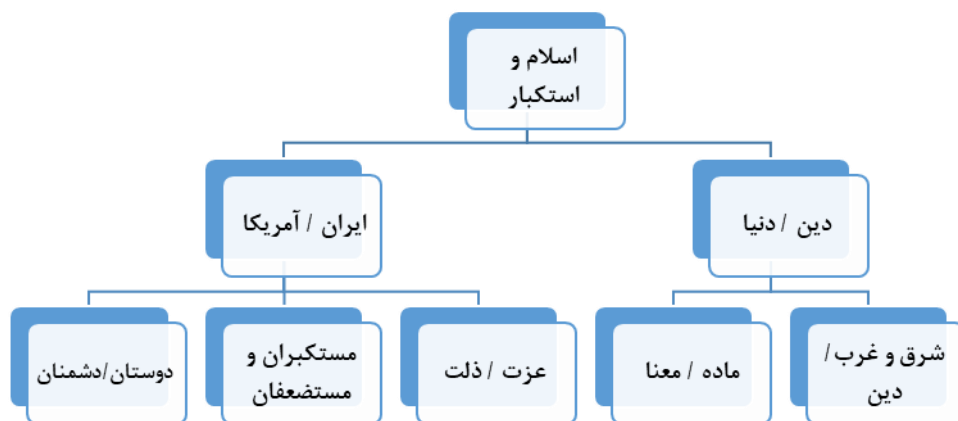
ساختارها)

در دل این تقابل، تقابل‌های جزئی‌تری شکل می‌گیرد. تقابل شرق و غرب با اسلام، تقابل «دین/ دنیا»، تقابل «ماده/معنا» از تقابل‌های درونی این تقابل کلان است^۲. تقابل «ایران/آمریکا» نیز نتیجه

۱- پس از آن که انقلاب ملت ایران جهان دو قطبی آن روز را به جهان سه قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت تقابل دوگانه جدید اسلام و استکبار پدید آمده برجسته جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد.

۲ آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران

همین تقابل کلان است و این تقابل (ایران / آمریکا) حامل تقابل «عزت / ذلت»، «مستضعفان / مستکبران»، «دوستان / دشمنان» گردیده است.



در توضیح این تقابل‌ها نکات زیر مورد توجه است:

۱- الف: دین / دنیا: همواره تلاش شده است لازمه و زیرساخت تقابل اسلام و استکبار تقابل دین و دنیا فرض شود. در حالی که در بیانیه این تقابل تنها «کلیشه‌ای» دانسته می‌شود که همواره توسط تئوری پردازان انقلاب اسلامی ایران نفی شده است.^۱ انقلاب اسلامی با شکستن چارچوب‌های شرق و غرب و طرح همراهی دین و دنیا، این کلیشه را شکست و دوگانه دین و دنیا که ژرف ساخت تمدن امروز غرب و رویارویی بزرگ در اندیشه‌های بشری در عصر جدید بوده است را درون خود حل کرد. ارائه الگوی عینی و عملی در تعامل دین و دنیا و جامعیت نگاه دین به همه زوایای زندگی بشر یک سخن نو بود، نهضت‌های پیشین در ایران و جهان از جمع این دو و تفسیری جامع از دین، عاجز بودند؛ غرب هم در تفسیر غلط دیگری پیش رفت و به سکولاریسم رسید.

گمراهی و ستم واکنش نشان دهند، اما این واکنش ناکام ماند. چپ و راست مدرنیته، از تظاهر به نشاندن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک‌تر شدند. اکنون با گذشت چهل جشن سالانه انقلاب و چهل دهه فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار می‌دهند، دست‌وپنجه نرم می‌کند! و انقلاب اسلامی با حفظ و پایبندی به شعارهای خود همچنان به پیش می‌رود.

^۱ انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود.

-تقابل شرق و غرب مادی/ نهضت دینی: با وجودی که مسیر جهان در تقابل شرق و غرب تعریف شده بود ادر این بیانیه شرق غرب در یک کفه، و نهضت دینی در کفه دیگر قرار داده شده، و لایه زیرین این دو (مادی و دینی (معنوی)) مهم‌ترین وجه تقابل شرق و غرب با انقلاب اسلامی دانسته شده است. ذیل این تقابل می‌توان تقابل جزئی‌تری نیز در بیانیه یافت که به طور گذرا و ارجاعی اشاره شده است: تقابل میان «سبک زندگی اسلامی / سبک زندگی غربی».^۲

-ماده و معنا: دو رویکرد مادی و معنوی را می‌توان از مهم‌ترین ژرف‌ساخت تقابل مدرنیته و اسلام دانست. از اصول مدرنیته نفی متافیزیک، انقطاع بشر از عقل متصل به وحی و مادی و دنیوی دانستن همه الزامات و ضرورات بشری است. است بعد از رنسانس تلاش شد راسیونالیسم دکارتی بر همه ابعاد اندیشگی جهان سایه افکند و واژه «سنت» مابه‌ازاء مفاهیم دینی و معنوی قرار گرفته اذهان را بفریبد، سیطره نگاه ماتریالیستی مدرنیته به جهان، مولد تقابل کاذب دین و دنیا شد و این در حالی بود شعار انقلاب اسلامی در ایران، پیشرفت مادی و معنوی توأمان بوده و هست.^۳ به همین علت مبنایی است که تلاش چپ و راست مدرنیته برای خفه کردن این انقلاب که منادی زندگی معنوی در قرن بیستم است پایان نمی‌پذیرد.^۴

۱-ب: ایران/ آمریکا: تقابل ایران و آمریکا تقابلی معلولی است نه علتی. زیرساخت‌های فکری و فلسفی آمریکا و غرب آنها را تبدیل به مصداق اتم و نماد استکبار کرده است.^۵ انحصار طلبی،

^۱ جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود.

^۲ سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وامی‌گذارم و به همین جمله اکتفا می‌کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زبان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌ها است.

^۳ همّت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، خواهند توانست آنها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند.

^۴ ... اما این واکنش ناکام ماند. چپ و راست مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک‌تر شدند.

^۵ نماد پُراپهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدان و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار، روزه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته‌ی آن در مقابل دولتهای متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده‌ی ایران و ایرانی بویژه جوانان این مرز و بوم به‌شمار میرفته است. قدرتهای انحصارگر

دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آنها، جنگ افروزی مستقیم و غیرمستقیم در جهان برای مقاصد شوم خود، از دیگر علت‌های تقابل ایران و آمریکا است^۱ و انقلاب اسلامی صدای مخالف این نظم نوین جهانی است که باید بریده شود.

در این بینه چالش‌های ایران آمریکا-در این دوره زمانی- در نمودهای زیر موضوعیت یافته است: چالش بر سر برچیدن نفوذ آمریکا در منطقه غرب آسیا، چالش امروز با آمریکا بر سر حضور ایران در مرزهای صهیونیستی، چالش با آمریکا بر سر رسوا کردن دست‌عمل بیگانه در آغاز انقلاب. و تقابل ایران و آمریکا نه تنها به شکل‌گیری تقابلی عزت و ذلت انجامیده بلکه منجر به صف‌بندی دوستان و دشمنانی نیز شد.

عزت/ذلت: افزایش ایستادگی در برابر آمریکا و مستکبران به برکت انقلاب است که محصولش عزت‌مندی ایران در چشم جهان است و این عزت به علت شکستن سیاست‌های آمریکا در غرب آسیا، زمین‌گیر شدن همکاران خائن آمریکا در منطقه، بیداری اسلامی و مقاومت در برابر آمریکا است.

مستضعفان/مستکبران: دوستان انقلاب عموماً ملت‌های مستضعفی هستند که از سوی آمریکا -این مظهر استکبار- مورد تجاوز و تعدی قرار گرفته‌اند. و ایران نماد مقابله با این زورگویی و مظهر مقاومت در برابر این استکبار شده است^۲.

دوستان/دشمنان: این مقاومت و ایستادگی انقلاب اسلامی، هم دشمن دارد هم دوست. اگرچه دشمنان مستکبرش گمان‌های باطلی در سر داشتند اما دوستانش در سراسر جهان، آن را در گذر از چالش‌ها و به دست آوردن پیشرفت‌های خیره‌کننده، سربلند دیده‌اند و نگاه دوستان همواره امیدوار

جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند

^۱ به همین علت در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت.

^۲ نماد پُربُهِت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدان و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار، روزبه‌روز برجسته‌تر شد

کننده و نگاه دشمنان همواره بدخوانه بوده است.^۱

۲-۱: انقلاب اسلامی / دیگر انقلاب‌ها

این «دیگر انقلاب‌ها» در جای دیگری از بیانیه «انقلاب فرانسه/هند/شوروی» ذکر می‌شود.^۲ پژوهش‌هایی که مبنی بر مقایسه این انقلاب‌ها صورت گرفته نشان می‌دهد تفاوت‌های اساسی در تئوری پیش از انقلاب و ره‌یافت فرهنگی و گفتمان حاکم بر این انقلاب‌ها با انقلاب اسلامی ایران وجود دارد (زاهدی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۰۶ / محمدی، ۱۳۸۲: ۸۷). در بیانیه این تفاوت‌ها عمیق‌تر کاویده شده و تقابل انقلاب ایران و دیگر انقلاب‌ها را به سطح جزئی‌تر کشانده است که منجر به ایجاد چهار تقابل شده: یکم مبانی و اهداف حاکم بر آن انقلاب‌ها که مبتنی بر تفکر مارکسیستی و لیبرالیستی یا اصطلاحاً چپ و راست مدرنیته بوده‌اند ولی انقلاب اسلامی بدون هیچ تجربه پیشینی راهی جدید گشود و آن‌تر اسلام به اضافه جمهوریت بود^۳ و هدفش تنها تغییر حکومت نبوده بلکه خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی بوده است.

دوم ماهیت مردمی یا کودتایی بودن این انقلاب‌هاست. در مقابل دیگر انقلاب‌ها انقلاب اسلامی بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است.^۴ در شعارها نیز فرق اساسی با دیگر انقلاب‌ها دارد در حالی که شعار دیگر انقلاب‌ها تاریخ مصرف دارند^۵ شعارهای انقلاب اسلامی مبتنی بر

^۱ از سویی نگاه امیدوارانه ملت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادی‌خواه جهان و برخی دولت‌های مایل به استقلال، و از سویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه‌ی رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج‌طلب عالم، بدان دوخته شد.

^۲ عظمت پیشرفت‌های چهل‌ساله‌ی ملت ایران آنگاه بدرستی دیده می‌شود که این مدّت، با مدّت‌های مشابه در انقلاب‌های بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود. مدیریت‌های جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما میتوانیم» که امام بزرگوار به همه‌ی ما آموخت، ایران را به عزّت و پیشرفت در همه عرصه‌ها رسانید.

^۳ هیچ تجربه پیشینی و راه طی‌شده‌ای در برابر ما وجود نداشت. بدیهی است که قیام‌های مارکسیستی و امثال آن نمی‌توانست برای انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده‌است، الگو محسوب شود. انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه بزرگ امام خمینی، به دست نیامد. و این نخستین درخشش انقلاب بود.

^۴ انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است.

^۵ انقلاب اسلامی با حفظ و پابندی به شعارهای خود همچنان به پیش می‌رود.

فطرت بشری است^۱ که کهنه نمی‌شود. انقلاب اسلامی در سرنوشت نیز تفاوت اساسی با دیگر انقلاب‌ها دارد کار را به نهایت رسانده، یک چله بدون خیانت پشت سر گذاشته، به آرمان‌هایش وفادار مانده^۲، در مقابل وسوسه‌ها مقاومت کرده و بعد از چهل سال آرمان‌های انقلاب را حفظ کرده^۳ است. لازم است انقلاب ایران شناخته شود و با دیگر انقلاب‌ها مقایسه شود.



همچنین در بیانیه نقطه مقابل انقلاب دو عبارت قرار گرفته است: «انقلاب/کهنگی کلیشه‌ها»، «انقلاب/کود و خاموشی». که سرنوشت انقلاب‌های دیگر بوده است در حالی که انقلاب اسلامی دچار هیچ‌یک از این سرنوشت‌ها نشد.

۲- در حوزه داخلی

۲-۱ ایران قبل و بعد از انقلاب

تا قبل از انقلاب اسلامی حکومت‌های ایران پادشاهی و استبدادی بودند و از دوره قاجار به شدت

^۱ برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند.

^۲ تنها انقلابی است که یک چله پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است.

^۳ و در میان ملت‌هایی که به‌پاخاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به‌جز تغییر حکومت‌ها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده‌باشند.

تحت نفوذ بیگانه قرار داشتند حکومت قاجار دست‌نشانده انگلیس و پهلوی دست‌نشانده آمریکا بود استبداد و سرسپردگی دو عنصری است که ایران پس از انقلاب از آن رها و موجب رقم‌زدن شرایطی جدید در حوزه‌های مختلف داخلی و خارجی شد.^۱ در بیانیه، جوانان به مطالعه گذشته^۲ و مقایسه دوره پهلوی و قاجار با دوره پس از انقلاب توصیه شده‌اند ایران قبل از انقلاب منحنی، تحقیر شده، وابسته و مستبد، کودتایی، عقب افتاده در علم و صنعت و تولید^۳ و سیاست و معنویت بود و انقلاب اسلامی موجب تغییر جهت این سیر نزولی^۴ و تعیین مسیر جدید به سوی پیشرفت و تعالی شد.^۵ عدالت در توزیع امکانات (راه‌سازی و خانه‌سازی و ایجاد مراکز صنعتی و اصلاح امور

^۱ انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه‌ی صفر آغاز شد؛ اولاً: همه‌چیز علیه ما بود، چه رژیم فاسد طاغوت که علاوه بر وابستگی و فساد و استبداد و کودتایی بودن، اولین رژیم سلطنتی در ایران بود که به دست بیگانه - و نه به زور شمشیر خود- بر سر کار آمده بود، و چه دولت آمریکا و برخی دیگر از دولتهای غربی، و چه وضع بشدت نابسامان داخلی و عقب‌افتادگی شرم‌آور در علم و فناوری و سیاست و معنویت و هر فضیلت دیگر.

^۲ برای برداشتن گامهای استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت.

^۳ . ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فناوری صفر بود، در صنعت به‌جز مونتاژ و در علم به‌جز ترجمه هنری نداشت.

^۴ انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار بشدت تحقیر شده و بشدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده‌ی ملی را که جان‌مایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه‌ی مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما میتوانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد.

^۵ موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تا اکنون ثمرات بالنده آن روزبه‌روز فراگیرتر می‌شود. هزاران شرکت دانش‌بنیان، هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه‌های عمران و حمل‌ونقل و صنعت و نیرو و معدن و سلامت و کشاورزی و آب و غیره، میلیون‌ها تحصیل‌کرده دانشگاهی یا در حال تحصیل، هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور، ده‌ها طرح بزرگ از قبیل چرخه سوخت هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، فناوری نانو، زیست‌فناوری و غیره با رتبه‌های نخستین در کل جهان، شصت برابر شدن صادرات غیرنفتی، نزدیک به ده برابر شدن واحدهای صنعتی، ده‌ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی، تبدیل صنعت مونتاژ به فناوری بومی، برجستگی محسوس در رشته‌های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی، درخشش در رشته‌های مهم و حساس پزشکی و جایگاه مرجعیت در آن و ده‌ها نمونه دیگر...

کشاورزی و رساندن برق و آب و مراکز درمانی و واحدهای دانشگاهی و سد و نیروگاه و امثال آن به دورترین مناطق کشور) بعد از انقلاب قابل مقایسه با قبل از انقلاب نیست.^۱ همچنین در جهانی که به سوی فساد آروزافزون پیش می‌رود انقلاب اسلامی توانست فساد رو به گسترش دوره پهلوی^۳ را به معنویت^۴ رو به گسترش تغییر دهد در توصیف مؤلفه‌های قبل و بعد این تقابل‌ها در منطق بیانیه به چشم می‌خورد:

مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیت‌های نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت می‌کنند.

^۱ واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره دیگر گذشته قابل مقایسه نیست. در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت‌نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیشتر شهرها بویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اولیه زیرساختی و خدمت‌رسانی بودند. جمهوری اسلامی در شمار موفق‌ترین حاکمیت‌های جهان در جابجایی خدمت و ثروت از مرکز به همه‌جای کشور، و از مناطق مرفه‌نشین شهرها به مناطق پایین‌دست آن بوده است.

^۲ ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانونهای ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم

^۳... و اینها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پروانش و تبلیغات پُرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجن‌زارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است.

^۴ عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه بگونه‌ای چشمگیر افزایش داد.../ معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.



برای شناخت درست دوره پهلوی دو تقابل به یاری گرفته شده اند: «آینده/ گذشته» و «حقیقت/ دروغ». ساختن آینده در گرو شناخت گذشته^۱ قرار گرفته است و عدم شناخت واقعیت‌هایی که در گذشته رخ داده، دروغ را جایگزین حقیقت خواهد کرد^۲؛ و نیز قبل از انقلاب مسائل سرنوشت ساز کشور در انحصار حکومت و گروهی از روشنفکران بود حال آنکه پس از انقلاب مردم به چنان رشدی رسیدند که این انحصار از دست عده ای قلیل خارج شد^۳.

۲-۲ ایران پس از انقلاب

تقابل‌هایی که در حوزه داخلی ایران پس از انقلاب قابل استخراج است بدین شرح است:

^۱ برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت (این جمله دوبار در بیانیه تکرار شده است) و از تجربه‌ها درس گرفت.

^۲ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ‌ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره گذشته و حتی زمان حال را دنبال می‌کنند و از پول و همه ابزارها برای آن بهره می‌گیرند. رهنمان فکر و عقیده و آگاهی بسیارند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده‌نظامش نمی‌توان شنید.

^۳ بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی را به گونه شگفت‌آوری ارتقاء داد. تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین‌المللی در موضوعاتی همچون جنایات غرب بخصوص آمریکا، مسئله فلسطین و ظلم تاریخی به ملت آن، مسئله جنگ‌افروزی‌ها و رذالت‌ها و دخالت‌های قدرت‌های قدر در امور ملت‌ها و امثال آن را از انحصار طبقه محدود و عزلت‌گزیده‌ای به نام روشنفکر، بیرون آورد؛ این‌گونه، روشنفکری میان عموم مردم در همه کشور و همه ساحت‌های زندگی جاری شد و مسائلی از این دست حتی برای نوجوانان و نونهالان، روشن و قابل فهم گشت.

«انعطاف / تجدید ناپذیری»، «گام اول / گام دوم»، «مردم / مسئولان»، «عدالت / فساد»، «آرمان‌ها / واقعیت‌ها».

برخی از این تقابل‌ها مفهومی است (نظام / انقلاب، انعطاف‌پذیری / تجدیدنپذیری)، برخی ذاتی سیر صعودی و سیوررت انقلاب (گام اول / گام دوم) و برخی بر اثر کم‌توجهی مسئولین و نیازمند ترمیم (عدالت / فساد، آرمان‌ها / واقعیت‌ها).



تقابل‌های مفهومی:

- نظام / انقلاب: نظام با مفهوم سامان، ثبات و ساختارمندی، و انقلاب با مفهوم دگرگونی، اغتشاش، تحول، شورش، ناآرامی، در واژه و مفهوم متقابلند، اما انقلاب اسلامی توانست بین آن‌ها پیوندی قرار دهد و از دل این پارادوکس (متناقض‌نما) ساختاری سیاسی نوینی پی‌ریزی کند که حاصل آن نظریه «نظام انقلابی» است.^۱
- انعطاف‌پذیری / تجدیدنظرناپذیری: انعطاف برای تصحیح خطاها لازمه سیر صعودی است اما حدّ یقف این انعطاف کجاست؟ تا چه مقدار باید از نظام اسلامی ایران توقع انعطاف داشت؟ حدّ آن در تحلیل تقابل فرض شده، مرزهای «تجدیدنظر» است. تجدیدنظر در ارزش‌ها و مبانی نظری، انقلاب را به انحراف می‌کشاند به‌ویژه اینکه ارزش‌های بنیادین انقلاب برگرفته از

^۱ انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند.

اسلام و مکتب الهی است و با ارزش‌های نسبی جهان مدرن فاصله معنادار دارد.^۱ انقلاب اسلامی متحجر نیست اما به اصول پایبند است.^۲

تقابل‌هایی که میان نقطه شروع و میانه راه است لازمه سیرورت و حرکت به جلو هستند در واقع تقابل دیروز و امروز و فردا در ذات حرکت نهفته است. از همین روست که گام اول و دوم این انقلاب تفاوتی گاه تقابلی دارد. منظور از گام اول در بیانیه، دهه‌های آغازین انقلاب است و گام دوم به سال‌های منتهی به آغاز چهره دوم انقلاب و پس از آن اطلاق شده؛ یکی از مهم‌ترین چالش‌های گام اول، هشت سال دفاع مقدس بوده است که در بیانیه تقابل جنگ/ دفاع^۳ را رقم زده است. تقابل «بی‌رحمی و خونریزی/ انفعال و دودلی» نیز در این حوزه معنادار شده است.

همچنین گام اول و دوم در چالش با استکبار دارای تقابل‌های فرض شده است: در گام اول چالش درون‌مرزی بود و در گام دوم برون‌مرزی^۴. در گذشته چالش بر سر خرید تسلیحات بود امروز بر سر انتقال تسلیحات به جبهه مقاومت^۵. در گذشته به کودتا و ترورهای کور مبادرت می‌کرد امروز

^۱ انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بارآده، همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد.

^۲ جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نوبه‌نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود به شدت پای‌بند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به شدت حساس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمی‌کند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند.

^۳ در هیچ معرکه‌ای حتی با آمریکا و صدام، گلوله‌ی اول را شلیک نکرده و در همه موارد، پس از حمله دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربت متقابل را محکم فرود آورده است. این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردد.

^۴ اگر آن‌روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است.

^۵ اگر آن‌روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته ایرانی به نیروهای مقاومت است.

به دنبال ائتلاف جهانی و جنگ نرم پیشرفته است.^۱

تقابل در چالش‌های ایران و
نظام سلطه در گام اول و دوم



از دیگر تقابلهایی که در حوزه ایران بعد از انقلاب قابل استخراج است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: عدالت/فساد: در بین مفاهیم مختلف و مناقشه برانگیز عدالت، مفهوم مقابل آن می‌تواند روشن‌کننده وجه منظور گوینده باشد. در بیانیه، دو مفهوم از عدالت به کار رفته که یک بار نقطه مقابل آن عدم تساوی امکانات^۲ و بار دوم فساد، به ویژه فساد مسئولین و فساد درون دستگاه حکومتی ذکر شده است.^۳ عدالت مقابل فساد روشن‌کننده مهم‌ترین وجه عدالت برای حکومت اسلامی است. تاجایی

^۱ اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملت ایران فائق آید، امروز برای مقابله سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب می‌بیند و البته باز هم در رویارویی، شکست می‌خورد.

۱- عدالت در صدر هدف‌های اولیه همه بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدس در همه زمان‌ها و سرزمین‌ها است و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی‌عصر (ازو احافداه) میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده همه به‌ویژه حاکمان و قدرتمندان است. جمهوری اسلامی ایران در این راه گام‌های بلندی برداشته است که قبلاً بدان اشاره‌ای کوتاه رفت؛ و البته در توضیح و تشریح آن باید کارهای بیشتری صورت گیرد و توطئه واژگونه‌نمایی و لاف‌سکوت و پنهان‌سازی که اکنون برنامه جدی دشمنان انقلاب است، خنثی گردد.

۳ فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده چرکین کشورها و نظام‌ها و اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آن‌ها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنائی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظامها است. وسوسه‌ی مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود

که یکی از شاخص‌های مشروعیت نظام اسلامی این عدالت دانسته شده لکن به تفاوت و تقابل فساد/خلق ثروت نیز توجه شده است.^۱ اذعان به وجود فساد و تاکید بر مبارزه با آن نباید به معنای ناامیدی از دستگاه حاکم و مسئولان تلقی شود چرا که در مقابل این ریزش‌ها (مسئولین فاسد) رویش‌ها (مدیران خدوم) به مراتب فراوان‌ترند.^۲

اقتصاد مقاومتی / اقتصاد ضعیف: در حوزه اقتصادی نیز تقابل‌های متعددی به چشم می‌خورد که مانیفست اقتصادی جمهوری اسلامی را شکل می‌دهد از جمله تقابل‌های: «هدف/ وسیله»^۳، «چالش بیرونی/ درونی»^۴، «اقتصاد وابسته/ اقتصاد مقاومتی»^۵ است.

حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السَّلَام) کسانی را لغزاند، پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد انقلابی و ساده‌زیستی میدادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب میکند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند، بویژه در درون دستگاه‌های حکومتی.

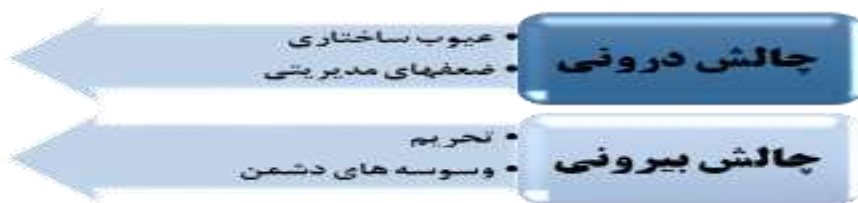
۱ در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه‌تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریب‌گران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، بشدت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به‌هیچ‌رو مورد قبول نیست.

۲ رویش‌های انقلاب بسی فراتر از ریزش‌ها است و دست‌ودل‌های امین و خدمت‌گزار، به‌مراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است.

۳ اقتصاد البتّه هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید.

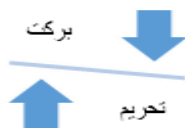
۴ انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی است

۵ راه‌حل این مشکلات، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرائی برای همه بخش‌های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مؤلّد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدّی‌گری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌هایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخشهای مهمّ این راه‌حل‌ها است. بی‌گمان یک مجموعه جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد.



تقابل «فقر/ غنا»^۱ به عنوان دو مؤلفه تأثیرگذار، در حوزه اقتصادی قابل طرح است. همچنین تقابل کاذب «مشکلات/ مقاومت»^۲ نیز در حوزه اقتصاد تبیین شده، دربیانیه با تصریح به نفی این تقابل، مشکلات ناشی از عملکرد ضعیف مسئولین را به پای مقاومت گذاشتن خطایی نابخشودنی، و منشأ مشکلات کم‌کاری مسئولین دانسته شده است.^۳

تحریم ممکن است در نظام‌های وابسته، سختی و گاه فلاکت به همراه داشته‌باشد اما در این انقلاب تحریم موجب حرمان نشده بلکه توأم با برکات بوده است. این برکت، «تکیه بر توان داخلی» است.^۴ تکیه بر توان داخلی نیز خود موجد ثبات و امنیت، گیشرفت، مشارکت مردمی، ارتقاء بینش سیاسی مردم و ... شد. در واقع «برکت/ تحریم» یکی از تقابل‌های موجود در این بیانیه است.



آرمان‌ها/واقعیت‌ها: آنچه هست و آنچه باید باشد می‌تواند در دو نقطه مقابل هم قرار گیرند. در

۱ فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد.

۲ اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه‌حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه گرگ است» خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر می‌شود، اما منشأ آن، کانون‌های فکر و توطئه خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القاء می‌شود.

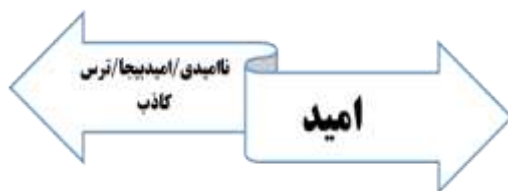
۳ این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنائی‌تر از مقبولیت اجتماعی است بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌ها است.

۴ انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است.

۵ به برکت تحریم دشمنان، اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد.

بیانیه این دو مفهوم نقش تعیین کننده دارد. این تقابل هم واقعی است ۱، هم آزار دهنده ۲ و هم قابل رفع ۳. تعیین تکلیف مجدد چالش آرمان گرایی و واقع بینی به علاوه ارائه یک مدل عملی از این رویکرد را می توان از جمله مهم ترین شاخص های بیانیه دانست. تقابل «توجه/عدم توجه» به شعارهای انقلاب، خرده تقابل (آرمان/واقعیت) است ۴. و دلزدگی یا امیدواری به انقلاب نسبت مستقیم با این تقابل دارد ۵.

در دل واقعیت ها نیز دو تقابل امید و ناامیدی ۶ شکل گرفته است. امید در مقابل ناامیدی، امید بی جا و ترس کاذب ۷.



۱ آنچه تاکنون شده با آنچه باید می شده و بشود، دارای فاصله ای ژرف است.
۲ بی شک فاصله میان بایدها و واقعیت ها، همواره وجدان های آرمان خواه را عذاب داده و می دهد، اما این، فاصله ای طی شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد.

۳ اما این، فاصله ای طی شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد.

۴ بدانید که اگر بی توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه هایی از تاریخ چهل ساله نمی بود - که متأسفانه بود و خسارت بار هم بود- بی شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمان های بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی داشت.

۵ . هرگاه دلزدگی پیش آمده، از روی گردانی مسئولان از این ارزش های دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها.

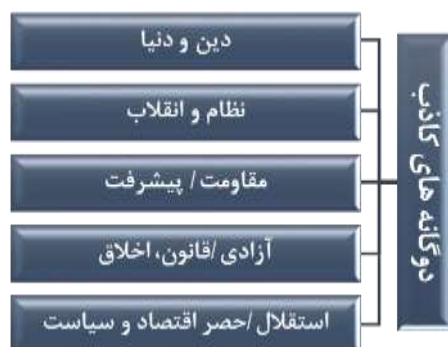
۶ اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه من امید و نگاه خوش بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل ها، هیچ گامی نمی توان برداشت. آنچه می گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته ام، اما خود و همه را از نومیدی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته ام و برحذر می دارم.

۷ در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه ای ترین جهاد شما است.

در بیانیه ضمن اشاره به فاصله آزردهنده میان بایدها و واقعیت‌ها، ظرفیت‌های کم‌نظیر کشور در دو حوزه نیروی انسانی و مواهب طبیعی را در کنار برکات انقلاب، به‌عنوان نشانه‌هایی امیدبخش و قابل اتکا در کنار چالش‌های پیش رو دانسته و خوش‌بینی و امید به آینده، امیدی صادق و متکی به واقعیت‌های عینی ذکر شده است.

تقابل‌های کاذب

برخی تقابل‌های دوگانه در بیانیه با هدف رد و نقد ذکر شده‌اند که تقابل «دین/دنیا»، «نظام / انقلاب»، «مقاومت / پیشرفت» در خلال مقاله تشریح شدند، «آزادی/اخلاق»، «استقلال/حصر اقتصاد و سیاست». نیز دو تقابل کاذب دیگر هستند که مفهومی‌شان در این بیانیه به واسطه همین نقاط متقابل هست که تبیین می‌شود.^۱



نتیجه‌گیری

بنابر آنچه گذشت واحدهای متن بر مبنای روابط متقابلی که با یکدیگر دارند هویت می‌یابند لذا ضرورت دارد واحدهای معنایی متقابل در متن را استخراج کرد و به ایده‌های کلی تولید معنا دست یافت. اگر بپذیریم که عناصر سازنده یک گفتار در فرایند ارتباط مفاهیم متقابل معنا می‌یابند و بدون این توجه، نمی‌توان مدعی دریافت معنا شد آنگاه تفسیر متن بدون این تحلیل ناقص خواهد ماند.

۱ استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است. و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله ارزش‌های اسلامی‌اند و این هر دو عطیه الهی به انسان‌هاست و هیچ کدام تفضل حکومت‌ها به مردم نیستند. حکومت‌ها موظف به تأمین این دو اند. ... بدیهی است که «استقلال» نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود، و «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی تعریف شود.

در بیانیه گام دوم نیز توجه به زوج‌های تقابلی ما را به گفتمان مسلط بر بیانیه هدایت می‌کند. چنانکه شبکه‌های مثبت و منفی هم‌طراز در یک گروه جای گیرند منظومه‌ای می‌سازند که شاکله اصلی بیانیه گام دوم بر آن بنا شده است.

یافتن این تقابل‌ها علاوه بر کمک به دریافت منظور اصلی گوینده ما را به تفسیری متفاوت از گفتمان حاکم بر بیانیه آشنا می‌کند.

برای مثال منظور از اسلام در بیانیه (با توجه به گستردگی ابعاد فردی و اجتماعی و سیاسی اسلام) با متقابل قرار گرفتنش با استکبار نشان دهنده تاکید بر آن بعدی از اسلام است که انسان‌های تحقیر شده و به استضعاف کشیده شده از سوی استکبار نجات می‌دهد.

این تعریف از اسلام (با توجه به تقابلیش با استکبار) در تعارض ذاتی با سکولاریسم است و جنگ و صلح‌ها معلول این تقابل است، به رسمیت شناخت افکار و ادیان و ناسازگاری با ظلم در هر سطحش از این تقابل ریشه می‌گیرد. اگر به این تقابل کلان توجه شود آن گاه تقابل ایران و آمریکا به راحتی قابل درک است و این جمله بیانیه که: «در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت» حمل بر راهبردهای صرفاً سیاسی نمی‌شود. اشاره به تفاوت شرق و غرب با اسلام با مضاف الیه قرار دادن مادی و معنوی، نیز جهت‌گیری آشکار به مدد بنیادی‌ترین مفهوم مورد مناقشه متفکرین - که «ایسم» های متعدد را پی‌ریزی کرده - در سده‌های متأخر است.

مثالی دیگر در تبیین مفهوم عدالت در بیانیه (با توجه به معنای گسترده لغوی و اصطلاحی و عرفی آن) است که با توجه به قطب مقابل آن در این بیانیه (فساد آن هم فساد مسئولین و همچنین تقابل با توزیع امکانات در سراسر کشور) معنای مشخص می‌یابد. مفهوم استقلال در تقابل با عدم وابستگی اقتصادی و مفهوم اقتصادمقاومتی در تقابل با اقتصاد ضعیف و وابسته، به خوبی گره گشایی می‌شود. اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصادی که وابسته نیست. این گذاره روشن‌ترین و موجزترین معنای مقتصد مقاومتی است.

دیگر تقابل‌ها نیز به همین شیوه ما را در رسیدن به مفاهیم مورد نظر نویسنده و گذر از لایه‌های عینی و لغوی یاری می‌دهد. در واقع با یافتن تقابل‌ها گویی، گوینده یا نویسنده خود معنای مد نظرش را به خواننده منتقل و از تفاسیر خارج از منظورش جلوگیری می‌کند.

کارکرد دیگر استخراج این تقابل‌ها، آشکار کردن شبکه‌های هم‌طراز به منظور دست یافتن به

زنجیره‌های معنایی است. با توجه به اینکه در هر تقابلی با دو قطب سر و کار داریم که بار ارزشی یکی مثبت و بار ارزشی دیگری منفی است (محل جدایی ساختارگرایان و پساساختارگرایان همین جاست!) با استخراج شبکه‌های هم‌طراز از مجموع این تقابلهای می‌توان به زنجیره اصلی حاکم بر گفتمان بیانیه دست یافت:



این شبکه‌های هم‌طراز، مبین مانیفست و نظریه انقلاب اسلامی در کلام یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان آن (آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای) است؛ و نشان می‌دهد اختلال در کدام مفاهیم می‌تواند مخل منطق حاکم بر انقلاب اسلامی باشد. این دو شبکه ساختار و سیستمی و نظامی هستند که طبق نظریه ساختارشناسی (از جمله نظریات فردینان دوسوسور که در ابتدای مقاله اشاره شد) اضافه کردن یا کم کردن هر عنصر در هر یک از این شبکه‌ها می‌تواند موجب تغییرات اساسی و ماهوی در کل ساختار شود.

برای مثال نمی‌توان اقتصاد مقاومتی را از زنجیره اول حذف کرد چرا که در کل ساختار تغییر به وجود می‌آورد یعنی حذف اقتصاد مقاومتی معنای استکبار، دین، عزت، پیشرفت، مردم و ... را دست‌خوش تغییر می‌کند و یا نمی‌توان یکی از حلقه‌های شبکه دوم (مثلاً آمریکا) را جدا کرد و در زنجیره اول جا داد باز موجب از هم پاشیدگی ساختار می‌شود.

حتی توسط قطب‌های تقابلی و شبکه‌های هم‌طراز می‌توان وضعیت کنونی ایران را در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی آسیب‌شناسی کرد و اشکالات نظری-ساختاری را در افکار و اعمال مدیران نظام بررسی و تحلیل کرد.

در پایان یادآور می‌شود تقابلهای بیشتری از این بیانیه قابل استخراج است و تحلیل دقیق این تقابلهای (که مجال فرای می‌خواهد) می‌تواند بازخوانی و کارکرد متفاوتی از بیانیه را در دسترس قرار دهد.

منابع

- آزادی، افشین؛ ترابی، محمد و حیدرپور، ماشاءالله (۱۳۹۹). «جمهوری اسلامی ایران و فضای مجازی؛ راهکارهایی برای حل چالش‌ها»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، سال ششم، شماره ۳.
- اسکولز، رابرت (۱۳۸۳)، درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات، ترجمه فرزانه طاهری، تهران، آگه.
- ایزوتسو، توشی هیکو (۱۳۶۳)، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، تهران، بهمن.
- برسler، چارلز (۱۳۸۶)، درآمدی بر نظریه‌ها و روش‌های نقد ادبی، ترجمه مصطفی عابدینی، تهران، نیلوفر.
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای به نشانی: دسترسی ۱۰ فروردین ۱۳۹۹ <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
- پیازه، ژان (۱۳۸۴)، ساختارگرایی، ترجمه رضا علی اکبر پور، تهران، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- جنیدی، رضا و ملائی، مسعود (۱۳۹۸). «راهبردهای مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با قدرت هوشمند ایالات متحده آمریکا»، فصلنامه راهبرد سیاسی، دوره ۳، شماره ۸.
- حاجی زاده، مهین، فرهادی، رعنا (۱۳۹۸)، «بازکاوی مفهوم واژه‌های «عُسر» و «یُسْر» در قرآن با رویکرد منطق «تقابل» دوگانه»، مشکات، ۳، ۳۸، ۹۶-۱۲۱.
- خورشا، صادق، مرادی، محمد هادی، حاج مؤمن، حسام (۱۳۹۵)، «ساختار شکل‌گیری معنا در سوره کافرون به‌منابه اثری ادبی از دیدگاه نظریه ساختارگرایی»، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۱۵(۶)، ۱۱۱-۱۳۴.
- دوسوسور، فردینان (۱۳۹۲)، دوره زبان شناسی عمومی، ترجمه کوروش صفوی، تهران، هرمس.
- راستگو، کبری، نخعی، مریم (۱۳۹۶)، «نظم تقابلی «أرض و سماء» در گفتمان قرآنی بر پایه نظریه انسجام»، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، ۶(۱)، ۲۰۷-۲۲۶.
- زاهدی، سعید، فاطمی، مهدی (۱۳۹۳) در میدان انقلاب، روایتی مختصر از سه انقلاب بزرگ تاریخ(فرانسه، روسیه، ایران)، تهران، نشر معارف.
- زیبایی نژاد، مریم (۱۳۹۸). «احیای انگاره‌های مهم هویتی در پرتو انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۸۷-۲۰۶.
- سلدن، رامان (۱۳۷۵)، نظریه ادبی و نقد عملی، ترجمه جلال سخنور و سیما زمانی، تهران، پویندگان نور.
- شمیاء، سیروس (۱۳۸۳)، نقد ادبی، تهران، فردوس.
- صفوی، کورش (۱۳۹۱)، آشنایی با زبان‌شناسی در مطالعات ادب فارسی، تهران، علمی.
- علوی مقدم، مهیار (۱۳۷۷)، نظریه‌هایی نقد ادبی معاصر(صورتگرایی و ساختارگرایی)، تهران، سمت
- علیپور، پوران (۱۳۹۶). «نقدی ساختارگرایانه بر تقابل‌های معنایی رمان گلاب خانم اثر قاسمعلی فراس» نشریه ادبیات پایداری، پیاپی ۱۷، پاییز و زمستان.

- عماش، محمدکاظم (۱۴۳۲) جهود هالیدی فی التجاه الوظيفی، العراق، جامعه البابل .
- فتحی، علی، قاسم پور، محسن، سید خراسانی، راضیه سادات (۱۳۹۸)، «تقابل‌های معنایی حق در قرآن براساس معناشناسی ساختگرا»، پژوهش‌های زبانشناختی قرآن، ۸(۲)، ۱۷۵-۱۹۰.
- فتوحی رود معجنی، محمود (۱۳۹۰)، سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها، و روش‌ها، تهران، نشر سخن.
- کاظمی، پریسا و بشیری، اکبر (۱۳۹۸). «سازوکارهای تضمین حقوق بنیادین بشر در نظام حقوقی عمومی ایران»، دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره ۸، شماره ۱۶، بهار و تابستان.
- کالر، جانانان (۱۳۸۸)، بوطیقای ساخت گرا، ترجمه کوروش صفوی، تهران، مینوی خرد
- گیررتس، دیرک (۱۳۹۳)، نظریه‌های معنی‌شناسی واژگانی، ترجمه کوروش صفوی، تهران: علمی
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۲) انقلاب‌های فرانسه و روسیه در مقایسه با انقلاب ایران، تهران، معارف
- موران، برنا (۱۳۸۹)، نظریه‌های ادبیات و نقد، ترمه ناصر داوران، تهران، آگاه.
- نصیری، سوناز (۱۳۹۸). «نقش قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی عراق)»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، دوره ۹، شماره ۱.
- هارلند، ریچارد (۱۳۸۶)، دیباچه‌ای تاریخی بر نظریه ادبی، ترجمه بهزاد برکت، گیلان، دانشگاه گیلان.
- هاشمی مقدم، سید شمس‌الدین، ذوالفقاری، محسن (۱۳۹۶)، «هنر سازه‌ها در آیات تربیتی قرآن کریم (با تأکید بر نظریه تقابلهای دوگانه)»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی - قرآنی، ۵(۴)، ۱۷۱-۱۵۵.